



جامعة جدة  
JGU



# مَدِيْنَةُ

سطر سطر زندگی با آیہ ہا

مسابقہ شمارہ ۸۵ / سہ شنبہ ۲۹ اسفند ۱۴۰۲



سطر هشتم

## توحید در زندگی

جزء ۸

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

أنعام، آیه ۱۶۲

- جهت زندگی‌ات به کدام سمت است؟
- اصلاً مگر زندگی، جهت دارد؟!



هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ  
 آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ  
 ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انظُرُوا أَنَا مُنْتَظِرُونَ  
 ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا  
 أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ  
 فَلَهُ عَشْرَ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ  
 لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنِّي هَدَيْتُ رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا  
 مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَ  
 سُكُوتِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ  
 أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ ابْنِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ  
 وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ  
 رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ الَّذِي  
 جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ  
 لِيَبْلُوكُمْ فِي مَاءِ اتِّكُمُ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦٥﴾



حفظ كريم



قرآنت تحفيق



﴿قُلْ﴾ [ای پیامبر] بگو: ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [حال که خدا پروردگار همهٔ جهانیان است و همهٔ نیازهایشان را پاسخ می‌دهد،] من نیز تمام نماز و عبادت‌ها و مناسک و زندگی و مرگم فقط بخاطر پروردگار جهانیان است؛ [به عبارت دیگر همهٔ افعال فردی و اجتماعی‌ام را فقط به خاطر خدا و در جهت او انجام می‌دهم.] ﴿لَا شَرِيكَ لَهٗ﴾ بدون اینکه هیچ کس دیگری را در نیت و هدفم شریک او کنم ﴿وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ﴾ و به این کار امر شده‌ام. [رهبر الهی چیزی بیش از مأمور از سمت خدا نیست و هرچه امر شده است، انجام می‌دهد.] ﴿وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ و اصلاً خود من [بیش از بقیه] باید تسلیم دستورات خدا باشم. [و همچنین تمام امورم براساس دستور خدا و برای او باشد.]



ببینیم

بشنویم

بیاموزیم



دویی از خود بیرون کردم، یکی دیدم دو عالم را

یکی جویم یکی گویم یکی دانم یکی خوانم

هرچیزی خالص آن خوب است؛ شیر، خالص آن، عطر، خالص آن، عسل، خالص آن، حتی آب، خالصش خوب است، و از همین روست که خداوند به پیامبر فرمود: **﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ﴾** بگو من فقط برابر یکی خم و راست می‌شوم و اصلاً عباداتم همه از برای یکی‌ست و زنده‌ام اگر، به عشق یکی است و مرگم به خاطر اوست.

یعنی به خاطر او می‌میرم، کشته و مرده‌ام اویم و نه مثل دیگران که کشته و مرده‌ام ثروتند و یا می‌میرند برای شهرت و یا می‌میرند برای هر چیز دیگر.

من اما؛ می‌میرم برای خدا، خدایی که **﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾** یعنی پرورنده و پروردگار هر چیز و هرکس است. همو که از کرم ابریشم، پروانه و از ذغال سنگ، الماس و از شن، مروارید می‌سازد. پس همان که حافظ می‌گفت:

نثار روی توهر برگ گل که در چمن است

فدای قَدِّ توهر سرزُبن که بر لبِ جوست





توحید اسلامی همان آلفی ست که بعدش ب می آید و پ می آید و چ می آید، تا ی می آید. این جور نیست که بگویی خدا یک است و دو نیست و تمام بشود قضیه. خدا یک است و دو نیست معنایش این است که در تمام منطقه وجود خودت، شخصاً و جامعه‌ات، عموماً جز خدا کسی حق فرمانروایی ندارد.

خدا یک است و دو نیست، معنایش این است که تمام آنچه در اختیار داری از ثروت، تو و همه انسان‌های دیگر، برای خداست. شما عاریت‌داران و ودیعه‌دارانی بیش نیستید. چه کسی حاضر است موحد بشود حالا؟ شما ودیعه پول را دارید و بس، شما عاریه دارید. جناب عالی اگر پولی از طرف رفیقان امانت دستتان باشد، چه کار می‌کنید؟ منتظرید ایشان حواله بدهد، آقا، ده تومان از این پول را بده به آن بچه، به آن پیرمرد، به آن بیگانه، به آن خویش، ده تومان از این پول را ببند از فلان صندوق، ده تومانش را اصلاً بسوزان!

وقتی که انسان مسلمان شد، همه چیز برای او مقدمه است، وسیله است. برای چه؟ وسیله چه؟ وسیله رسیدن به جهانی پهناور - نمی‌گویم جهان بعد از مرگ - جهان فکر و بینش و دید خود انسان که به وسعت خدا وسیع و گسترده است. همه چیز برای

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۹، ص ۲۵۶.



انسان وسیله هستند، برای اینکه انسان بتواند رضای خدا را به دست بیاورد. زندگی دنیا، پول دنیا، آسایش دنیا، محبت‌های دنیا، برایش ارزش و اصالت ندارد. آن وقتی برایش ارزش پیدا می‌کند که در راه خدا باشد، ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾؛ اما اگر چنانچه این محبت، این مال، این مقام، این زندگی، این فرزند، این آبرو، این حیثیت، در راه خدا و در راه وظیفه نبود و قرار نگرفت، برایش هیچ قیمتی و ارزشی ندارد. دنیا و آخرت به هم دوخته است در طرز فکر اسلامی و برای یک مسلمان، دنیا آخری ندارد. در نظر آن شخصی که بندهٔ بندگان و بردهٔ موجودات ناقص است، دنیا محدود است؛ اما برای این، دنیا وسیع است. مرگ یک دریچه ایست که از این دریچه وقتی نگاه می‌کنی، آن طرف باغ‌ها و بوستان‌ها و دنیاها و گیتی‌ها و جهان‌هاست؛ لذا می‌بیند که فوقش این است که به این دریچه برسد، از این دریچه بگذرد، مهم نیست، مرگ برایش مسئله‌ای نیست. اینها جلوه‌هایی و گوشه‌هایی از توحید است.<sup>۱</sup>

